

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۹

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۶

شاخص‌های امنیت اجتماعی در جامعه نیابی عصر غیبت بر اساس الگوی جامعه مهدوی با استفاده از روش پس‌نگری

غلامرضا بهروزی لک^۱

رضا رئیسی وانانی^۲

چکیده

یکی از اهداف و آرمان‌های جامعه مهدوی استقرار نظم و امنیت در سراسر جهان در همه ابعاد ذکر شده است و بدون وجود امنیت، اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... در جامعه مهدوی محقق نخواهد شد. امنیت در جامعه‌ی مهدوی کامل‌ترین و جامع‌ترین الگوی امنیتی است که لازم است در دوران عصر غیبت مورد توجه جدی قرار گرفته و زیرساخت‌های آن بازشناسی گردد و با پیروی از این الگوی جامع و کامل اندکی از طعم شیرین آن به جامعه انسانی چشانده شود.

پژوهش حاضر با هدف تبیین شاخص‌های مهم و تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی در جامعه نیابی (عصر غیبت) بر اساس الگوی جامعه مهدوی تدوین گردیده است. این مطالعه با استفاده از روش اسنادی و تحلیلی با ذکر عناصر اصلی امنیت اجتماعی، شاخص‌های امنیت اجتماعی را بر اساس روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام و همچنین سیره حکومتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دوران خلافت امام علی علیه‌السلام تبیین و با استفاده از روش پس‌نگری سطح قابل تحقق و دست‌یافتنی از شاخص‌های مورد نظر در جامعه الگویی مهدوی را برای جامعه نیابی (عصر غیبت) تصویرسازی نموده است. روش پس‌نگری

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم قم (نویسنده مسئول) (blak@bou.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی تهران (r.reza.box@gmail.com).

یکی از روش‌های آینده‌پژوهی مبتنی بر رویکرد هنجاری است که قدرت بیشتر برای رویاپردازی و راهنمای عمل باز را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی

جامعه‌نیایی، جامعه‌مهدوی، نظم و امنیت، امنیت اجتماعی، پس‌نگری.

مقدمه

همه جوامع امنیت را به‌عنوان یکی از ارکان اساسی زندگی بشر و تأمین آن را از وظایف حکومت‌ها می‌دانند. واژه امنیت که برگرفته از ریشه «امن»، به معنای آرامش، آسودگی و بی‌هراسی است، از بدو خلقت به‌عنوان یکی از خواست‌های اساسی بشر بوده که اکنون به یکی از مباحث مهم و حیاتی در سطوح داخلی و خارجی کشورها تبدیل گشته و تلاش‌های فراوانی به صورت فردی و جمعی برای تحقق آن در سطح جوامع صورت گرفته است، تا آن‌جا که صاحب‌نظران مختلفی را در حوزه علوم انسانی و اجتماعی به خود مشغول داشته است. از سوی دیگر هیچ‌گونه توسعه‌ای در هیچ بعدی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... بدون وجود امنیت و آرامش صورت نخواهد گرفت. در واقع می‌توان گفت که امنیت، پیوندی عمیق با اقتدار، انسجام و استحکام درونی جامعه دارد و به‌عنوان زیربنای توسعه پایدار در تمامی ابعاد و در تمامی اعصار بوده و خواهد بود.

یکی از اهداف و آرمان‌های جامعه‌مهدوی استقرار نظم و امنیت در سراسر جهان در همه ابعاد ذکر شده است و بدون وجود امنیت، اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... در جامعه‌مهدوی محقق نخواهد شد. امنیت در جامعه‌ی مهدوی کامل‌ترین و جامع‌ترین الگوی امنیتی است که لازم است در دوران عصر غیبت مورد توجه جدی قرار گرفته و زیرساخت‌های آن بازشناسی گردد و با پیروی از این الگوی جامع و کامل اندکی از طعم شیرین آن به جامعه انسانی چشانده شود.

بیان مسئله

یکی از حوزه‌های مهم و حساس، تحقق نظم و امنیت و پاسداری از جامعه اسلامی و مسلمین می‌باشد که پلیس جامعه اسلامی و منتظر امام معصوم باید همواره با تعریف افق‌های دور دست در مسیر فراهم‌سازی زمینه‌ی ظهور، هوشیارانه و تیزبینانه در موضع دیده‌بانی قرار داشته و پدیده‌های اجتماعی و کلیه مؤلفه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر/ از نظم و امنیت در جامعه را همواره مورد رصد و پویش قرار دهد و به جای موضع انفعالی و رویکرد اکتشافی از

موضع تصویرسازی برای افق دوردست اقدام نماید. نتیجه آن که در جامعه عصر غیبت ضرورت دارد به سمت جامعه مهدوی برویم. در این راستا ما در صورت فراهم بودن شرایط باید جامعه مشابه مهدوی تأسیس کنیم. در واقع جامعه عصر غیبت وظیفه دارد جامعه نیابی باشد و جامعه نیابی جامعه‌ای است که الگوی او امام باشد.

بر این اساس سؤال اصلی این پژوهش این است که شاخص‌های مهم امنیت اجتماعی در جامعه نیابی (عصر غیبت) مبتنی بر الگوی جامعه‌ی مهدوی چیست؟ برای پاسخگویی به این سؤال لازم است به سؤالات فرعی ذیل پاسخ گفت: شاخص‌های امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی چیست؟ ابزار تحلیل (چارچوب نظری) و جوه الگویی امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی برای جامعه نیابی کدامند؟ وجوه قابل الگوگیری امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی برای جامعه نیابی چیست؟ مراحل و شیوه‌های الگوگیری از امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی برای جامعه نیابی چیست؟ و نهایتاً نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از ارکان مدیریتی نظم و امنیت در جامعه اسلامی و تأمین‌کننده امنیت اجتماعی قبل از ظهور، چگونه می‌تواند براساس این شاخص‌ها سطح قابل تحقق و دست‌یافتنی آن را در جامعه نیابی تعریف نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

"جامعه‌ی منتظر و انسان‌های دارای انتظار باید در زمینه‌ی خواست‌ها و هدف‌های امام‌شان عمل کنند و به یاری انسان‌های مظلوم و محروم بشتابند و دل آزادگان را مرهم نهند و دشواری‌ها و مشکلات مردم را تا حد توان، طبق خواسته و رضای امامشان برطرف سازند و اگر چنین شد در قلمرو جامعه‌ی منتظر، محروم و تهیدست و بیمار بی‌درمان و دلتنگ و افسرده و اندوهگین و گرفتار باقی نخواهد ماند" (رضوانی، ۱۳۸۵: ۸۸). شاید یکی از معانی برخی از احادیث در باره‌ی انتظار فرج که گفته‌اند: "انتظار فرج، خود فرج است" همین معنا باشد که جامعه‌ی منتظر اگر انتظاری راستین و صادقانه داشته باشد دست‌کم در حوزه‌ی خود، مشکلات و نابسامانی‌های مردم را برطرف می‌کند و خواسته‌ها و آرمان‌های امام موعود را در محیط خویش تحقق می‌بخشد (همان: ۸۸). از این رو انتظار، به معنای واقعی در همه ابعاد جامعه می‌تواند به‌عنوان یک عقیده، تبلور پیدا کند و سپس در مقام عمل و عینیت، آشکار گردد.

فرهنگ مهدوی در یک جامعه در عرصه‌های مختلفی نمود می‌یابد. نمودهای فرهنگ مهدوی را می‌توان در رفتار فردی و اجتماعی هم مشاهده کرد. منتظر واقعی کسی است که به جامعه‌ی فاسد زمانه خویش دل نمی‌بندد و اگر انحراف و کژی می‌بیند، اعتراض می‌کند و با

تأسی به سیره مولا و محبوبش درصدد اصلاح برمی آید و او به دنبال گسترش عدل و داد است (بهروزی لک، ۱۳۸۸: ۵۵). نتیجه آن که در جامعه عصر غیبت ضرورت دارد براساس الگوی ورع و اجتهاد، به سمت جامعه مهدوی برویم. در این راستا ما در صورت فراهم بودن شرایط باید جامعه مشابه مهدوی تأسیس کنیم. در واقع جامعه عصر غیبت وظیفه دارد جامعه نیابی باشد. جامعه نیابی جامعه ایست که الگوی او امام باشد. روایاتی که در عصر ضرورت معرفت به امام دلالت دارد مبین و مؤید این مطلب می باشد. مراد از معرفت امام تنها معرفت به شخص امام نیست بلکه کارکردها و ویژگی های امام می باشد. در جامعه نیابی دو بعد وجود دارد:

۱. نایبان امام یا نیابت فردی؛

۲. جامعه نایب یا نیابت اجتماعی.

در واقع نایب امام در راستای تقرب و تشبه به جامعه مهدوی با نیابت امام معصوم باید دست به ساختن و پرورش اجتماع نیابتی بکند.

تعاریف و اصطلاحات

جامعه مهدوی: جامعه ای است که حداکثر ظرفیت ها در این جامعه صرفاً با حضور امام معصوم علیه السلام تحقق می یابد و دین به اکمال خود رسیده است.

جامعه نیابی: جامعه نیابی یا اجتماع نیابتی، اجتماعی است که حداکثر ظرفیت های قابل تحقق جامعه مهدوی را در خود فراهم نماید. به عبارت دیگر جامعه ای است که مفهوم نیابت در آن برجسته است و همواره چشم به منوبین عنه دارد. یعنی از جانب چه کسی نیابت دارد. اعتبار فقیه به نیابت وی است که هر وقت او را می بینیم به یاد معصوم می افتیم. در این تحقیق، کاربرد اصطلاح جامعه نیابی به منظور تصویرسازی از جامعه ای است که با الگوگیری از جامعه مهدوی حداکثر ظرفیت های قابل تحقق آن در عصر غیبت از طریق روش پس نگری احصاء شود.

پس نگری

پس نگری یکی از روش های آینده پژوهی با رویکرد هنجاری است که با تصور آینده مطلوب شروع می شود و سپس با تعیین قدم های لازم برای افزایش شانس رسیدن به آن آینده ادامه می یابد. این رویکرد تنها زمانی عملی است که اهداف آینده به روشنی و به دور از هرگونه ابهام تعیین شده باشند. در غیر این صورت و در جایی که تعدادی اهداف بالقوه متناقض وجود

داشته باشند به کارگیری متدولوژی سناریو ارجح است (وحیدی مطلق، قابل دسترسی در <http://www.ahl-ul-bayt.org>).

ادبیات تحقیق

۱. مفهوم امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است که در جوامع مدرن امروزی، نقش و جایگاه آن برای دولت‌ها آشکارتر گردیده است. به طوری که دولت‌ها تمام تلاش خود را سعی در ایجاد، حفظ و گسترش آن داشته و توسعه آن را پیش‌نیاز توسعه پایدار می‌دانند. تحقق امنیت اجتماعی نیازمند شناخت مجموعه عواملی است که در ایجاد و سلب آن نقش جدی دارد.

امنیت اجتماعی به لحاظ معنایی نه به سطح امنیت فرد تنها مربوط است و نه به امنیت ملی، بلکه امنیت اجتماعی عبارت است از رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی در مقابل یک گروه اجتماعی نظیر خانواده یا مجمع قومی، مذهبی و... (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۲۷). امنیت اجتماعی در حد واسط امنیت فردی و امنیت ملی قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی که برقراری امنیت را در چارچوب گروه‌های اجتماعی و نحوه ارتباط و تعامل میان آنها جستجو می‌کند، در پیامد انقلاب ارتباطات، پیدایش نهادهای قدرتمند غیر دولتی، باز شدن پنجره‌های تبادل فرهنگی و اعتقادی و بالا رفتن سطح آگاهی‌های عامه، طرح و مورد توجه قرار گرفت. در واقع، امنیت اجتماعی چشم‌انداز نوینی در مورد امنیت بود که در آن مؤلفه‌های اجتماعی در تکوین، استقرار و استمرار امنیت نقش برجسته ای دارند (نویدینیا، ۱۳۸۳: ۳).

باری بوزان^۱ واژه امنیت اجتماعی را با اصطلاح Societal Security به کار برده و در تعریف آن گفته است «امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود» (بوزان، ۱۹۹۸). ال ویور^۲ نیز از جمله افرادی است که در باب امنیت اجتماعی سخن رانده است. تعریف او از امنیت اجتماعی همسو با تعریف بوزان است. ویور امنیت اجتماعی را چنین تعریف می‌کند:

امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است. به طور خلاصه این نوع امنیت بر

قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و رسوم متکی است. در چارچوب این تعریف، مشخص شدن زمانی که تهدیدی علیه امنیت اجتماعی وجود دارد، دشوار می‌گردد. امنیت اجتماعی مربوط به وضعیتی است که جوامع، تهدیدی نسبت به مؤلفه‌های هویتی خود احساس می‌کنند. (نویدنیا، ۱۳۸۳: ۲۲)

در ادبیات جاری، امنیت اجتماعی را یکی از مقوله‌های امنیت انتظامی می‌دانند. امنیت انتظامی در سه مقوله امنیت انسانی، امنیت فردی و امنیت اجتماعی از جمله وظایف مهم و اساسی برای نیروی پلیس می‌باشد که در بند چهارم قانون نیروی انتظامی به تفصیل بیان شده است. هرچند سازمان‌های دیگری به تناسب کاری و رسالتی که دارند در پشتیبانی این سه مقوله مسئولیت دارند، لیکن بار اصلی امنیت بخشی به اجتماع در این سه حوزه را نیروی پلیس به عهده دارد.

مفهوم امنیت انسانی به معنی آزادی از ترس و احترام به کرامت انسانی برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی است. (وفادار و رئیسی وانانی به نقل از زندگی، ۱۳۸۷: ۵۷۶) و دو جنبه عمده دارد: نخست ایمنی در برابر تهدیدهای همیشگی نظیر گرسنگی، بیماری و افسردگی و دوم معنای مراقبت در برابر اختلال‌های آسیب‌رسان و ناگهانی چه در منازل، محل کار یا در اجتماع (رز، ۲۰۰۶: ۸۹).

امنیت فردی در سه بعد امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت روانی تعریف شده است. از نظر باری بوزان امنیت فردی بیانگر نگاه فردگرایانه به مفهوم امنیت است و دولت ضامن امنیت فردی است (بوزان، ۱۳۸۷: ۷۴)

امنیت اجتماعی نسبت نزدیکی با مفاهیم نظم اجتماعی، هویت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و در نهایت، اعتماد اجتماعی دارد. در این رابطه، جوامع، زمانی از امنیت اجتماعی برخوردارند که هویت آنها مورد تهدید واقع نشود و بقای جامعه دچار مشکل نگردد (زندگی، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

در مجموع در ادبیات رایج، مفهوم امنیت اجتماعی با آن‌چه که در کشورهای غربی صاحب نظرانی همچون باری بوزان و ال ویور برای اولین بار مطرح کرده‌اند متفاوت است. آن‌چه که مد نظر ماست همان امنیتی است که در یک طرف آن مردم و یا اجتماع و در طرف دیگر آن تهدیدات یا متجاوزان و قانون‌گریزان هستند. یعنی آن چیزی که جان، مال، آبرو، نظم و قانون در جامعه را تهدید می‌کند.

۲. عناصر اصلی امنیت اجتماعی

منظور از امنیت اجتماعی عمدتاً این است که افراد جامعه در زندگی و مناسبات اجتماعی شان، از تمام تهدیدها و اقدامات خلاف قانون، چه از جانب افراد، چه از جانب گروه‌های سیاسی و چه از جانب حکومت و عمال آن فارغ و آسوده باشند. ایجاد نظم و مکانیزم اجتماعی تعریف شده در حین عبور و مرور مردم در مراکز عمومی و دفاع از مردم در برخورد با بااندهای تبهکار، با هدف استقرار امنیت پایدار در سطح کشور از مظاهر امنیت اجتماعی به حساب می‌آید (قصری و دوستدار، ۱۳۸۸).

با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چند وجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی در ایران، مهمترین دغدغه‌های ایرانیان (در سطح فردی و گروهی) به ترتیب وزن و نقش مؤثر عبارتند از:

۱. فقر اقتصادی؛

۲. اعتیاد؛

۳. خشونت خانوادگی؛

۴. فساد و فحشا؛

۵. بی‌اعتمادی؛

۶. هویت خواهی؛

۷. تبعیض؛

۸. نظام تأمین اجتماعی؛

۹. جنایات سازمان یافته؛

۱۰. مسائل زنان؛

۱۱. بیماری‌ها و اختلالات روانی.

امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن مانند انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامت و مهارت افراد، امید به زندگی و امنیت هویت، نقش مهمی در بقاء و بالندگی ملت‌ها دارند (قابل دسترسی در www.ihcs.ac.ir/pages/features).

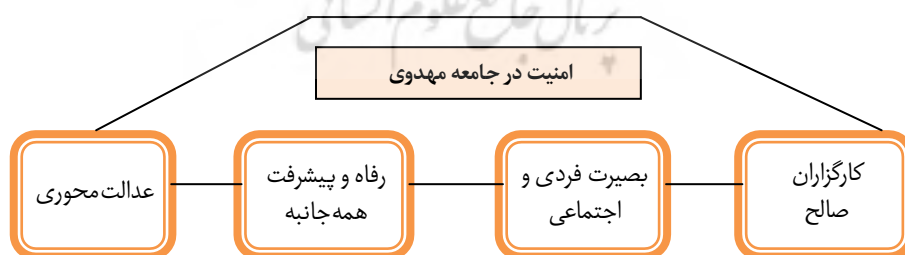


شکل ۱. عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی

شاخص‌های امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی

برای بیان فهم شاخص‌های امنیت در جامعه مهدوی دو راه می‌توان در پیش گرفت. اول آن که در روایات عصر ظهور تفحص نمود و دوم از راه مراجعه به سیره فطری و عملی پیامبر ﷺ و دیگر معصومان به ویژه امام علی علیه السلام. زیرا معصومان علیهم السلام همه در سیره و سنت یک شیوه دارند و همه از نوری یکتا آفریده شده و ترجمان وحی هستند. حکومت آرمانی امام عصر علیه السلام در واقع تلاش‌های اصلاح طلبانه امامان معصوم به ویژه برای به ثمر نشاندن حکومت نافرجام امام علی علیه السلام است که به دلیل هواپرستی و گمراهی مردم ادامه نیافت. از سوی دیگر مراجعه به سیره و سنت سیاسی - اجتماعی پیامبر ﷺ و دیگر معصومان به ویژه سیره‌ی علوی ابهامات و کمبودهایی که امروزه در فهم دقیق وضعیت عصر ظهور با آنها مواجه هستیم را برطرف می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۶). بر این اساس می‌توانیم شاخص‌های مورد نظر را بر اساس سیره معصومان علیهم السلام احصاء کنیم. هرچند که باید اذعان نمود که تبیین کامل و جامعی از این شاخص‌ها قطعاً از حوصله این مقاله خارج است و ما مجبوریم به تعدادی از شاخص‌های مهم و تأثیرگذار اشاره کنیم و سپس با دسته‌بندی جدیدی از عناصر اصلی امنیت اجتماعی در شکل (۱) انطباق لازم را صورت داده تا امکان تعریف سطح قابل تحقق و دست‌یافتنی آن در جامعه نیایی فراهم گردد.

با بررسی روایات و سیره معصومین علیهم السلام مؤلفه‌هایی مانند عدالت محوری، رفاه اقتصادی و همه‌جانبه، بصیرت فردی و جمعی و وجود کارگزارانی صالح در جامعه مهدوی و همچنین در دوران حکومت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام برای ایجاد جامعه‌ای ایمن مورد تأکید قرار گرفته است. البته ویژگی‌های بسیار دیگری نیز در جامعه مهدوی بیان شده است لیکن شاخص‌های اصلی تأثیرگذار در تولید امنیت اجتماعی را می‌توان در شکل (۲) بیان نمود.



شکل ۲. شاخص‌های مهم امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی

۱. عدالت محوری رکن اصلی و بستر تولید امنیت

عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جایگاه واقعی خود می باشد. هرگاه این معادله برقرار نباشد بی نظمی و هرج و مرج صورت می گیرد و نتیجه بی نظمی و هرج و مرج نیز چیزی جز ناامنی نخواهد بود. بنابراین عدالت و عدالت پیشگی، پیش فرض و از الزامات و ضرورت های برقراری امنیت در جامعه است.

امام علی علیه السلام عدالت را ضامن امنیت، حفظ نظام، مایه روشنی چشم زمام داران و نفوذ محبت آنان در دل مردم می داند. امام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می فرماید:

ان افضل قرة عين الولاية استقامة العدل في البلاد و ظهور مودة الرعية و انه لا تظهر مودتهم الا بسلامة صدورهم.

تحقیقاً بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه هایشان (خالی بودن از کینه و بغض حاکمان).

بنابراین عدالت پیشگی زمام داران موجب جذب قلوب به سوی آنان می گردد و عقده ها را از دل بیرون می ریزد که این امر خود موجب ضمانت استحکام ارکان دولت و انسجام دولت با ملت است. عدل محوری نظام سیاسی، باعث می شود مردم برای رسیدن به آرمان ها و خواسته های خود راه های منطقی را برگزینند. در غیر این صورت، نومیادی از عدالت، انسان ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلاف کاری، تضعیف اخلاق عمومی و از هم پاشیدگی اجتماعی خواهد کشانید که طبعاً نتیجه آن ناپایداری امنیتی خواهد بود (همان: ۷۷)

۲. رفاه و پیشرفت همه جانبه

روایات فراوانی در مورد رفاه اقتصادی و توسعه در ابعاد مختلف در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام وارد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

در امت من مهدی علیه السلام قیام می کند... و در زمان او مردم به نعمت هایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند و زمین چیزی از رویدنی های خود را پنهان ندارد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۸۳).

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می فرماید:

امام قائم علیه السلام [اموال را] برابر تقسیم می کند و میان [همه] مردم نیکوکار و بدکار به عدالت رفتار می نماید (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۴۳، ب ۱۳، ۲۶).

امام صادق علیه السلام در بیان رفاه اقتصادی در جامعه مهدوی می‌فرماید:

... وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ؛
 اسْتَعَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۷)؛

... و کسی از شما به دنبال فردی می‌گردد که مالش را بستاند و زکاتش را بپذیرد؛ اما هیچ‌کس را نمی‌یابد که چنین کند؛ [زیرا] مردم از رهگذر روزی‌هایی که خداوند با فزون‌بخشی خویش به ایشان عطا فرموده، بی‌نیاز شده‌اند.

۳. بصیرت فردی و اجتماعی در تولید امنیت

در جامعه مهدوی به دلیل بلوغ فکری جامعه که ناشی از عنایات حضرت می‌باشد یک نوع بصیرت بخشی از ماهیت اعمال غیر اخلاقی در جامعه به وجود می‌آید و زمینه‌ی خودکنترلی موجب امنیت بخشی در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، انتظامی، زیست محیطی و غیره می‌گردد.

بخشی از طرح‌ها و روش‌هایی که امام علی علیه السلام در سهیم نمودن مردم در مقابله با ناامنی اجتماعی ارائه و یا اجرا نمودند، دارای هویت «آگاهی بخشی» است. بدون تردید حضور مؤثر مردم در صحنه‌های امنیتی، متضمن ارتباط ذهنی و عاطفی آنان با موضوعات و پدیده‌های امنیتی است. ذهن و دلی که ضرورت‌ها، فایده‌ها و زمینه‌های امنیت اجتماعی را نمی‌شناسد و حس نمی‌کند، چگونه می‌تواند دست و قدم را به میدان همراهی و همگامی بکشانند؟! امام علی علیه السلام در تحریک مردم برای ایجاد نظم و امنیت اجتماعی می‌فرماید:

وَلَا يَدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ. أَيُّ دَارٍ بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْتَعُونَ...؛

حق، بدون جدیت قابل وصول نیست (شگفتا) کدامین خانه و وطن را جز خانه و وطن خود از اشغال بیگانگان ممنوع خواهید ساخت؟! (نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ۱۳۳)

در جایی دیگر در بیان آگاهی از خطرها و تهدیدها می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَضْرَةَ الشَّرِّ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ؛

هرکس که ضرر شر را نشناسد، بر باز ایستادن از او توانا نیست (شرح غرر الحکم، ج ۵، ۴۱۹).

همچنین در فرازی دیگر رفاه و خوشی و آسایش را نیز در گرو امنیت دانسته و می‌فرماید:

رفاهیه العیش فی الامن؛

رفاهیت زندگی در امنیت است (همان: ج ۴، ۱۰۰).

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وكملت بها اخلاقهم؛
هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول
آنان را با آن، کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴:
ج ۵۲، ۳۳۶).

۴. کارگزاران صالح

حکومت جهانی در جامعه مهدوی به همت توانای امام عصر علیه السلام بر اساس ماهیت دینی
توسعه و گسترش می‌یابد و عدل و احسان به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی حکومت جهانی
می‌باشد "اجرای عدالت اجتماعی و گسترش آن از بنیادی‌ترین [اصول] حکومت مهدویت است
که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز و امام بعد از آن بر این حقیقت انگشت نهاده‌اند که امام زمان علیه السلام
خواهد آمد و جهان پر از ظلم و جور را پر از عدل و داد خواهد کرد. بنابراین می‌توان گفت سرآغاز
انقلاب اجتماعی و حکومت جهانی آن حضرت اجرای عدالت بر اساس دین است. و این اجرای
عدالت نیازمند کارگزاران و کارکنانی عادل و نیکوکار است" (حائری، ۲۶). از این رو نیروی پلیس
به عنوان یکی از سازمان‌های اجرایی جامعه مهدوی فرماندهان و کارکنانی نیکوکار و عادل
دارد. در تصدیق این ویژگی برای کارگزاران و کارکنان جامعه مهدوی می‌توان از آیه شریفه ﴿إِنَّ
اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ...﴾؛ خدا به
عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد از فحشا و زشت‌کاری و ستم‌نهی
می‌کند" بهره جست که ضمن ترسیم ارزش‌های فردی و اجتماعی، دوری از ضد ارزش‌ها و
پلیدی‌ها را توصیه می‌کند" و این آیه به معنای واقعی و کامل در عصر ظهور پیاده خواهد شد،
عدل یعنی نگهداشت دقیق حقوق مردمان و مبارزه فراگیر، و همه سویه با نابرابری‌ها و
احسان، جایگاه برتری در میان ارزش‌های اجتماعی اسلام دارد که به یک معنا بالاتر از عدالت
است. زیرا اگر در هر حکومتی پایه‌های حقوقی انسانی، بر اساس عدالت اجتماعی استوار گردد،
در این صورت جلوه‌های احسان و نیکوکاری، فضای جامعه را می‌آکند (همان).

جامعه نیایی (جامعه منتظر) عصر غیبت

بر اساس روایات وارده تشکیل حکومت جهانی نیاز به مقدمات و سازوکارهایی دارد که
مقدمات آن در بستر زمان پیش از ظهور می‌بایست تحقق یابد بدون فراهم سازی شرایط لازم
امکان تحقق ظهور نخواهد بود. روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام در این مورد وارد شده

است. به عنوان نمونه امام محمدباقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

گویا می‌بینم گروهی را که از مشرق زمین خروج کرده و طالب حق هستند، ولی آنها را اجابت نمی‌کنند، مجدداً بر خواسته‌های شان تأکید دارند، ولی مخالفان نمی‌پذیرند. وقتی چنین وضعی را می‌بینند شمشیرها را به دوش کشیده و در مقابل دشمن می‌ایستند. این جاست که پاسخ مثبت می‌گیرند، ولی این بار خودشان نمی‌پذیرند تا این که همگی قیام می‌کنند... و درفش هدایت را جز به دست توانای صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) به کسی دیگر نمی‌سپارند. کشته‌های آنان شهید محسوب می‌شوند، ولی من اگر آن زمان را درک می‌کردم، خویشتن را برای یاری صاحب این امر نگاه می‌داشتم (سیدبن طاووس، نقل از دشتی، ۱۳۷۵: ۹۱).

نظر امام خمینی علیه السلام به حکومت به عنوان امانتی است که باید به صاحب اصلی آن تحویل داد و در راستای حفظ و تقویت آن کوشش کرد. از دیدگاه حضرت امام، انقلاب اسلامی، امانتی الهی است که برای تحقق هدفی والاتر یعنی تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام شکل گرفته است. سخنان صریح حضرت امام دربارهٔ قرار داشتن انقلاب اسلامی در راستای ظهور حضرت ولی عصر به این معناست که انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز آگاهی و خیزش عموم مردم و مسلمانان کل عالم در جهت حرکت به سمت تحقق جامعهٔ ظهور است. تأکید ایشان بر این که انقلاب اسلامی، انقلابی جهانی است و به کشور ایران منحصر نیست و ندای همهٔ مظلومان عالم است و صدور انقلاب، یکی از اولویت‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی است، بیان‌گر نوع نگاه امام به حکومت جهانی عدل یعنی همان حکومت حضرت حجت علیه السلام است (افتخاری، نوروزی و ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹). دو نمونه از سخنان صریح ایشان به شرح ذیل است.

- من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است. باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی ان شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم. (همان منبع به نقل از امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۵، ۳۸۵)

- امیدوارم که ان شاء الله این روحیهٔ اسلامی و توحیدی باقی باشد، این کشور را ما به صاحب اصلی او، امام زمان علیه السلام تحویل بدهیم و ملت را تسلیم ایشان بکنیم. (همان منبع، به نقل از امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۶، ۱۸۳)

نگاه ما به جامعه نیابتی عصر غیبت بر مبنای آینده‌نگری الهی است که کاربردی‌ترین روش آن تصویرپردازی براساس آموزه‌های دینی و منابع اسلامی است. بدون شک اندیشه ناب

مهدویت بهترین تفکر راهبردی در حوزه‌ی تصمیم‌گیری است. اما القای این تصویر و سعی در ساخت آن به هر نیت و روشی محل بحث است. مشروعیت تصویرپردازی در گرو بصیرت بخش بودن آن است زیرا سرشت تصویرپردازی بصیرت‌بخش توأم با اتصال به منبع عظیم الهی، مشارکت آگاهانه و مشتاقانه مردم و افزایش سطح فکری آنها و نه تحمیق و تطمیع است (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۴۰).

وجوه قابل‌الگوگیری از جامعه مهدوی برای جامعه نیایی

از مجموع آیات و روایات در خصوص عصر ظهور، به این باور و استنباط می‌رسیم که با حاکمیت نظام عدالت‌گستر امام زمان علیه السلام و نزول برکات آسمان و فراوانی برکات زمین و نیز نظارت دقیق بر امور اقتصادی، معضل بزرگ فقر و محرومیت - که مؤثرترین عامل در بروز ناهنجاری اجتماعی به حساب می‌آید - از جامعه بشری برچیده خواهد شد. همچنین با ایجاد رفاه و آسایش عمومی، پدیده‌های دزدی، تجاوز، بی‌عفتی، رشوه و اختلاس که مولود نامیمون فقر و تهیدستی، و محصول سیستم‌های غلط مدیریتی و برخی نظام‌های ظالم و سرمایه‌داری است، از بین می‌رود و ترس، نگرانی، اضطراب و ناامنی، جایش را به محیط صلح، صفا صمیمیت و امنیت خواهد داد. اقتصاد جامعه در حد کامل رونق می‌یابد، و تمام ظرفیت‌های اقتصادی دنیا به کار گرفته می‌شود. دولت مهدوی در جهت استفاده صحیح از موهبت‌های الهی و عمران و آبادانی شهرها و کشورها، بی‌نیازی و استغنای مردم، کمک به بدهکاران و فقیران، توزیع عادلانه امکانات و بیت‌المال، ایجاد اقتصاد سالم، رونق کشاورزی و دامپروری و... تلاش ویژه‌ای انجام داده، موفقیت‌های بی‌نظیری را به دست خواهد آورد (رجالی تهرانی، ۱۳۹۱).

شاخص‌های ذکر شده در جامعه مهدوی به عنوان شاخص‌هایی جامع همه عناصر اصلی تولید امنیت اجتماعی را پاسخگوست. به عنوان مثال:

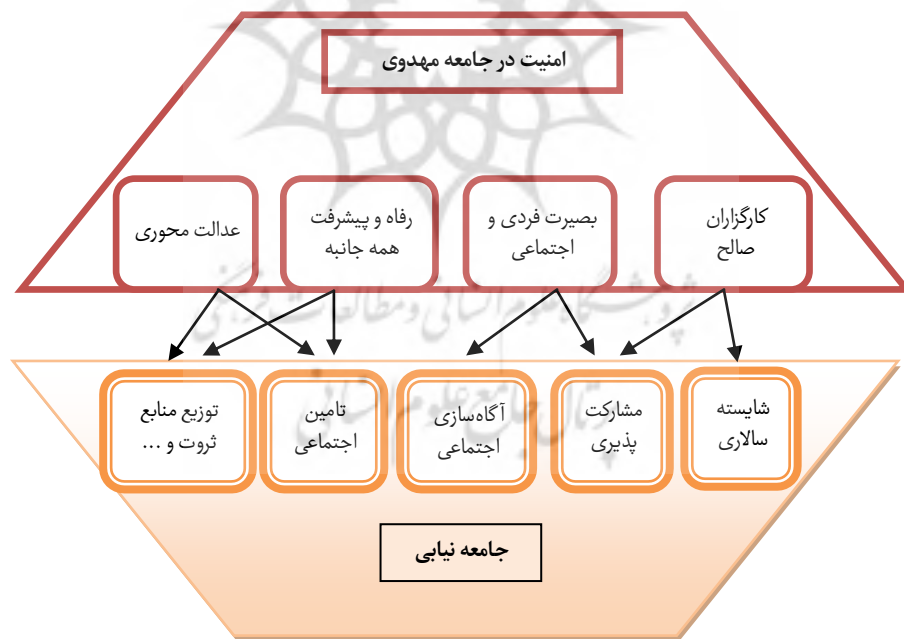
عدالت محوری: شاخص عدالت محوری بر روی بسیاری از عناصر اصلی تولید امنیت تأثیرگذار است. فقر اقتصادی، اعتیاد، هویت‌خواهی، تبعیض و تأمین اجتماعی با برقراری نظام عدالت محوری در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی ریشه‌کن خواهد شد. عدالت محوری اعتماد مردمی که بخشی از سرمایه اجتماعی می‌باشد را در جامعه ارتقاء می‌دهد.

رفاه و پیشرفت همه‌جانبه: این شاخص، فقر اقتصادی که اولین عامل اثرگذار بر امنیت

اجتماعی است را از بین می برد. وقتی رفاه همه جانبه برقرار باشد نظام تأمین اجتماعی برای آحاد جامعه یکسان می شود. بخش بسیار زیادی از بیماری ها و مسائل زنان با رفاه اقتصادی برطرف می شود.

بصیرت فردی و اجتماعی: آگاهی از نفس عمل و عواقب کار از همه اعمال و جرائم خلاف شرع و قانون جلوگیری می کند خشونت خانوادگی، اعتیاد، جرائم سازمان یافته از طریق بصیرت بخشی از جامعه برچیده می شود.

کارگزاران صالح: وقتی زمامداران صالح بر سر کار باشند موجب تولید اعتماد آحاد جامعه به حکومت می شود و در این صورت احکام و فرامین حکومتی با جان و دل مورد پذیرش قلبی جامعه می گردد و این خود مشارکت صددرصدی با کارگزاران حکومتی را فراهم می کند. همه این شاخص های کلی بیان شده صرفاً با حضور امام معصوم و در جامعه مهدوی قابل تحقق است. لذا با توجه به عدم حضور امام معصوم در جامعه نیایی، سطح قابل تحقق و دست یافتنی این الگو را می بایست از طریق تعریف سطوح نازل تری که امکان تحقق آن وجود داشته باشد، به دست آورد.



شکل ۳. سطح قابل تحقق و دست یافتنی شاخص های تولید امنیت اجتماعی در جامعه نیایی براساس الگوی جامعه مهدوی

مراحل و شیوه‌های الگوگیری از امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی برای جامعه نیایی

۱. توزیع منابع ثروت و...

قطعاً در جامعه نیایی پیاده‌سازی عدالت به مفهوم تمام و کمال میسر نیست چون عدالت تمام و کمال با حضور امام معصوم اتفاق خواهد افتاد. بنابراین آن چه که در جامعه نیایی قابل تحقق و دست‌یافتنی است توزیع امکانات اعم از ثروت و... در سطح کل جامعه می‌باشد که نیازمند سازوکاری همه‌جانبه در همه ابعاد می‌باشد. به‌عنوان مثال واگذاری سهام به جامعه یکی از راه‌های توزیع ثروت برای کاهش نابرابری‌ها می‌باشد. نتیجه این که بهره‌مند نمودن همه مردم از سرمایه‌های ملی سطح قابل تحقق و دست‌یافتنی در جامعه مهدوی است تا از این طریق در مسیر تولید امنیت اجتماعی گام برداشته شود.

۲. تأمین اجتماعی

"تأمین اجتماعی از جمله حقوق اساسی شهروندی است که در قالب برنامه‌های تأمین اجتماعی و خدمات عمومی رفاهی عمدتاً توسط دولت‌ها و با سازمان‌هایی که از سوی دولت‌ها پدید آمده‌اند تأدیه می‌گردند. بنا به تعریف، تأمین اجتماعی راه‌کار قانونی یا عملی در زمینه عمومی است که برای امنیت اقتصادی و رفاه اجتماعی اشخاص و خانواده آنان در قبال نقصان درآمدی ناشی از بیکاری، پیری، بیماری و یا فوت و همچنین ارتقاء رفاه از طریق خدمات عمومی و حمایت‌های اقتصادی طراحی می‌شوند. این موضوع می‌تواند، شامل برنامه‌های بیمه‌های اجتماعی، سلامت و خدمات رفاه و طیفی از برنامه‌های یاری‌دهنده درآمدی باشد" (منوچهری‌راد، ۱۳۸۸). لذا در صورت پوشش تأمین اجتماعی در سطح وسیع و همه‌جانبه عواملی مانند فقر و تنگدستی کاهش پیدا می‌کند. سلامت و بهداشت جامعه ارتقا پیدا می‌یابد. همچنین تأمین اجتماعی می‌تواند سطح قابل توجهی از اعتیاد، تبعیض و فحشا را کاهش دهد.

۳. آگاه‌سازی اجتماعی

اطلاع و آگاهی از هر چیزی، زمینه‌ساز کشش عاطفی و گرایش عملی است. بدیهی است وقتی راجع به پدیده‌ای فاقد علم و اطلاع هستیم، نسبت به آن هیچ انگیزه یا گرایش مثبت یا منفی نخواهیم داشت. صد البته هر علم و اطلاعی، لزوماً به انگیزش یا گرایش فرد به سوی آن منتهی نمی‌شود؛ ولی قطعاً زمینه‌ساز شکل‌گیری انگیزه‌ها، علاقه‌ها و رفتارهای متناسبند. از این رهگذر، آموزش و آگاه‌سازی در ساخت رفتار جمعی و فرهنگ عمومی در هر جامعه‌ای، نقش

تعیین‌کننده‌ای دارد (رئیزی وانانی، ۱۳۸۳).

امام خمینی علیه السلام در مورد اهمیت و اثرات آگاه‌سازی اجتماعی و مشارکت امنیتی مردم می‌فرماید:

آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد (کلمات قصار، ۱۲۱).

چنان‌چه ملاحظه می‌شود امام خمینی علیه السلام حفظ امنیت در جامعه را در گرو آگاهی و اطلاع مردم و مشارکت آنان می‌دانند و در این خصوص مردم را به حضور فرامی‌خوانند تا در کنار دستگاه‌های حکومتی برای حفظ امنیت جامعه کوشش نمایند.

به طور کلی قانون‌گریزی یک موضوع فرهنگی است. می‌بایست این باور در مردم به وجود آید که عبور از چراغ قرمز علاوه بر این که تخلف است در مملکت اسلامی یک گناه است. اگر این بصیرت در جامعه به وجود آید نیازی به کنترل از طریق دوربین و حضور پلیس نیست. این بصیرت اجتماعی از طریق فرهنگ‌سازی و از زمان کودکی باید صورت گیرد و مهم‌ترین مرجع نهادینه‌سازی این فرهنگ در جامعه آموزش و پرورش می‌باشد. هرچند نقش سایر کانال‌های ارتباطی و سازمان‌های دیگر مانند صداوسیما بی‌تأثیر نیست.

موضوع آموزش و آگاه‌سازی در اکثر جوامع و نظام‌های سیاسی جهان از مهمترین رکن‌های اجتماعی و متغیر سرنوشت‌ساز برای انواع توسعه (اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی) به شمار رفته و با گذشت زمان نهادینه شده است. امروزه، اندیشمندان و علمای تحقیق و پژوهش بر این اعتقادند که مؤلفه اصلی داشتن اجتماعی پویا، آزاد، امن و در یک جمله وجود انسان‌هایی با رفتار مطلوب به نظام آموزشی مبتنی بر واقعیت‌ها و حقیقت‌های انسانی استوار است. در واقع، حفظ سلامت و تداوم ثبات و تحول پایدار جامعه، در گرو حفظ و تداوم الگوهای عمل و ارزش‌های آن جامعه می‌باشد که از طریق فرایند آموزش صورت می‌گیرد. در فرایند آموزش است که ارزش‌ها، فرهنگ، باورها، اعتقادات، دانش‌ها و مهارت‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد تا در گذر زمان تجارب ارزشمند پیشینیان به فراموشی سپرده نشود و آیندگان از این اندوخته‌ها و میراث گرانقدر بهره‌مند شده و آن را چراغ راه خود قرار دهند و با تلاش و کوشش خود و در تعامل با پدیده‌های تازه با استمداد از این میراث به راه‌حل‌های تازه‌تری نائل گردند. از این گذشته حفظ تعادل و سلامت یک جامعه و تداوم نظم و امنیت، در گرو آن است که اعضای آن آگاهی‌های لازم را نسبت به محیط پیرامون خود کسب نمایند. آموزش، موجب پرورش شعور اجتماعی در مسئولیت‌پذیری و آگاهی می‌گردد. آموزش،

انسان‌ها را آرمان‌خواه، اهداف‌گرا، مختار و سازنده می‌سازد. ابرمردها و دانش‌پروران تاریخ که موجب پرورش و رشد افکار عمومی جامعه شده‌اند، ساخته و پرداخته فرهنگ‌هایی هستند که دانش را با ابزار آموزش و به‌عنوان میراث یک قوم از نسلی به نسل دیگری انتقال داده‌اند. اکسیر آموزش باعث پیوند اندیشه‌های خلاق و قلب‌های حساس شده و انسان‌ها را به صورت خلقی یکدل و همسو برای سازندگی مرز و بوم‌هایشان به پویایی درمی‌آورد (بیان و شکیبامقدم، ۱۳۷۲: ۱۱).

با آموزش، افراد، مطابق میل جامعه پرورش می‌یابند. یعنی؛ با الگوهای رفتاری مناسب از طریق کانال‌های متعدد، جامعه‌پذیری در افراد درونی شده و با شخصیت آنها عجین می‌شود. افراد در این حالت برای انجام رفتار مطابق خواست و انتظار جامعه، از نوعی کنترل درونی برخوردار می‌شوند. به عبارت دیگر، فرد اجتماعی شده برای تحقق الگوهای عملی پذیرفته شده و مطلوب نظام اجتماعی هیچ‌گونه احساس اجباری ندارد. بلکه با خشنودی و از روی میل آنها را انجام می‌دهد و در صورتی که از آنها سرپیچی کند، خود را سرزنش می‌کند. فرد اجتماعی شده، الگوهای عملی و هنجارهای جامعه را می‌داند و با انگیزه درونی آن را انجام می‌دهد، نه از روی اجبار و کنترل از بیرون. بلکه از طریق فرایند جامعه‌پذیری جذب شخصیت افراد جامعه می‌شود.

یکی از مقاصد جامعه‌پذیری آن است که قواعد و نظامات [نظام‌های] اساسی از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روش‌های علمی به افراد آموخته شود. فراگرد اجتماعی کردن به همان اندازه که عادات و رفتار فرد را مطابق هنجارهای اجتماعی، تحت نظم و انضباط درمی‌آورد، به وی امید و آرزو می‌دهد و از طریق برآوردن آرزوها و امیدها یا مخالفت وی از دستیابی به آنها، برای او هویت^۱ می‌آفریند. (علاقه‌بند، ۱۳۷۲)

۴. مشارکت‌پذیری در تأمین امنیت

الف) مشارکت عمومی: منظور از مشارکت عمومی، مردم و عامه جامعه می‌باشد. یعنی به جای این‌که پلیس سرچهارراه قرار بگردد، باید خود مردم قانون راهنمایی رانندگی را رعایت کنند. "راهبرد امنیتی در حکومت مهدوی، بر اجبار و زور متکی نیست، بلکه همراه با رضایت و پذیرش قلبی مردم است. حضرت با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق و صحیح در این عرصه، در مدت زمان کوتاهی، ناامنی سابق را به امنیت تبدیل می‌کند و همه مردم با رضایت و

1. Identity

خشنودی بدان تن می دهند و در محیطی پراز امنیت به زندگی خود ادامه می دهند؛ امنیتی که بشر در هیچ روزگاری، مانند آن را ندیده است. گفتنی است راهبرد حکومت‌های زمینه‌ساز نیز باید در همین مسیر باشد" (قاسمی، ۱۳۸۹). بنابراین برنامه‌های مربوط به ایجاد نظم و امنیت بایستی بسیار کارشناسانه و دقیق و به گونه‌ای باشد که زمینه رضایت و مشارکت‌پذیری جامعه را فراهم نماید. مشارکت همه افراد جامعه در تامین نظم و امنیت می‌تواند در جامعه نیایی زمینه‌های لازم برای امنیت اجتماعی را فراهم نماید. مشارکت عمومی به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های تولید امنیت در جامعه نیایی راه‌گشای نیل به الگوی امنیتی جامع و کارآمد در جامعه مهدوی است که در صورت تحقق کامل آن اندکی از طعم شیرین امنیت را در ذائقه مردمان تشنه امنیت خواهد چشاند.

رفتار مشارکتی جامعه با پلیس زمانی شکل می‌گیرد که مردم خود در تولید امنیت سهیم شوند. به‌عنوان مثال یک کدگذاری ساده در لب‌تاپ شخصی باعث پیشگیری از سرقت اطلاعات خواهد شد و یا استفاده از حواله به جای اسکناس بسیاری از مسائل ناامنی و جرائم مربوط به سرقت را از بین خواهد برد. لذا هر چه سطح رفتار مشارکتی و آگاهی عموم در تولید امنیت و پیشگیری افزایش یابد کفه ترازوی ناامنی و جرائم سبک‌تر خواهد شد.

از سوی دیگر برای ارتقای سطح مشارکت مردمی می‌بایست اعتمادسازی صورت گیرد. کیفی‌سازی مأموریت‌ها حجم اعتماد مردم به پلیس را افزایش خواهد داد و این مهم از طریق هدف‌گذاری بلندمدت صورت می‌گیرد نه افزایش مأموریت‌ها. لذا نباید با افزایش مأموریت‌ها از کیفیت خروجی آن کاست. برخورد مستقیم و رودرروی پلیس با مردم و اعمال زور یک نوع کاهش اعتماد عمومی را در پی خواهد داشت. بنابراین تلاش در جهت نزدیک‌سازی افکار جامعه با افکار پلیس امری حیاتی و مهم است و باید مأموریت‌ها و وظایف پلیس تا حد ممکن به مخاطبین منتقل شود و اقتناع‌سازی صورت گیرد. در این صورت است که جامعه متوجه می‌شود که هدف پلیس ایجاد امنیت است نه ناامن کردن جامعه.

در انگلیس ۸۰ درصد کشف جرم براساس اطلاعات مردم به پلیس اتفاق می‌افتد. پس باید این پذیرش در جامعه ایجاد شود که مأموریتی که پلیس انجام می‌دهد در جهت امنیت مردم است نه تعرض به مردم (نشست‌های تخصصی معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۹۱: ۲۲). هرچند مردم پلیس را مأمور برقراری نظم و امنیت و عامل مبارزه با جرائم می‌دانند اما چون پلیس از قدرت خشن استفاده می‌کند، همواره در نظر عموم به‌عنوان یک نیروی سرکوب‌گر می‌باشد. لذا یک نوع کاهش اعتماد مردمی و کاهش محبوبیت را در جامعه به همراه دارد. بنابراین برای

افزایش این محبوبیت و اعتماد می‌بایست از طریق دیگر جبران شود مثلاً برجسته‌سازی اقدامات و خدمات امنیتی - اجتماعی.

بنابراین ابتدا می‌بایست زیرساخت‌ها درست شود و پس از آن پلیس دست به اقدام بزند. به‌عنوان مثال ابتدا باید زیرساخت‌های ترافیکی، امنیتی و... اصلاح شود و سپس جریمه عبور از چراغ قرمز را ۱۰۰۰۰۰ تومان تعیین کرد. در غیر این صورت مورد پذیرش قلبی مردم نخواهد بود و تعامل پلیس و جامعه جای خود را به تقابل خواهد داد. اعتمادسازی یک سرمایه اجتماعی است و تا زمانی که اعتماد نباشد مشارکتی نیز وجود ندارد و پلیس نمی‌تواند از این سرمایه اجتماعی استفاده کند. اگر اعتمادی وجود نداشته باشد پلیس نمی‌تواند اطلاعاتی را از اجتماع دریافت کند و نتیجه آن چیزی جز بر زمین ماندن مأموریت‌ها نیست.

ب) مشارکت سازمان‌ها و نهادها: منظور از مشارکت سازمان‌ها و نهادها به این معنی است که سازمان‌های دخیل در موضوع امنیت اجتماعی می‌بایست پایه کار قرار گیرند. به‌عنوان مثال در موضوع تصادفات حدود ۳۰۰ دستگاه یا نهاد دخیل هستند و یا در بحث آسیب‌های اجتماعی ۲۷ دستگاه دخالت دارند. بنابراین در اینجا مدیریت جمعی نیاز است. تولید امنیت اجتماعی وظیفه سازمان‌ها و نهادهای بسیار زیادی است که اگر هماهنگی و همگرایی این نهادها در این موضوع مهم صورت نگیرد امنیت اجتماعی ایجاد نخواهد شد. نهادهای امنیتی مانند نیروی پلیس بیشتر وظیفه حفظ نظم و امنیت را به‌عهده دارند. به‌عنوان مثال آموزش و پرورش نقش بزرگ و مهمی را در این راستا دارد که می‌بایست در این خصوص سرمایه‌گذاری شود. زیرا یادگیری نظم اجتماعی از اوان کودکی و با تعلیم و تربیت در محیط‌های آموزشی صورت می‌گیرد.

ج) مشارکت مدنی: منظور از مشارکت مدنی مردم یا سازمان‌های غیردولتی می‌باشند مانند تشکل‌ها که می‌توانند در کنترل آسیب‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا نمایند.

۵. شایسته‌سالاری در انتصابات

اگر مسئولیت‌ها و مناصب به افراد لایق و تربیت شده واگذار شود کارها به درستی انجام می‌شود. احراز تخصص و تعهد از ضرورت‌ها و الزامات و اگذاری مسئولیت است. مأموران تأمین نظم و امنیت باید افرادی شایسته، کاردان و دارای مهارت‌های لازم باشند تا افراد جامعه با نگاهی مثبت از جان و دل فرامین و قوانین امنیتی را تبعیت کنند. واگذاری پست و مقام و مسئولیت می‌بایست براساس لیاقت و مهارت اشخاص صورت گیرد در غیر این صورت اگر مأموریت‌ها به افراد بی‌کفایت و نالایق واگذار شود به سرانجام نخواهد رسید.

نبود شایسته‌سالاری در جامعه، اتلاف استعدادهای بالقوه و به تبع آن کاهش کارایی در بخش‌های مختلف را به دنبال دارد. شایسته‌سالاری به حذف افراد ناکارآمد در راستای رضایت مشتریان منجر می‌شود و نبود شایسته‌سالاری می‌تواند به حذف و یا فرار شایستگان و نارضایتی مشتریان منجر شود. بدیهی است موضوع شایسته‌سالاری برای مشاغل حساس از اهمیت بیشتری برخوردار است. (جهانشیری و دفتری، ۱۳۹۰) این موضوع به ویژه برای نیروهای امنیتی پلیس که دائماً با اجتماع سروکار دارند در انجام وظایف مأموریتی مهم است. زیرا در معرض افکار عمومی است و جامعه انتظار وظیفه‌شناسی از مسئولین دارد. البته کسب اعتماد و مشارکت‌پذیری در جامعه تنها با شایسته‌سالاری در سازمان‌های امنیتی بوجود نخواهد آمد و نظام شایسته‌سالاری در همه سازمان‌ها می‌بایست تحقق پیدا کند تا اعتماد اجتماعی به وجود آید.

نتیجه‌گیری

با تحلیل مفهوم امنیت اجتماعی براساس دیدگاه‌های غربی (مکتب کپنهاک) و مقایسه آن با تعاریف کاربردی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران امنیتی کشور این نتیجه حاصل شد که شمول امنیت اجتماعی در سطح گسترده‌تری دیده شده است. در تعریفی توسعه‌یافته در کشور، آن‌چه که مد نظر ماست همان امنیتی است که در یک طرف آن مردم و یا اجتماع و در طرف دیگر آن تهدیدات یا متجاوزان و قانون‌گریزان قرار دارند. یعنی آن چیزی که جان، مال، آبرو، نظم و قانون در جامعه را تهدید می‌کند. منظور از امنیت اجتماعی عمدتاً این است که افراد جامعه در زندگی و مناسبات اجتماعی‌شان، از تمام تهدیدها و اقدامات خلاف قانون، چه از جانب افراد، چه از جانب گروه‌های سیاسی و چه از جانب حکومت و عمال آن فارغ و آسوده باشند. ایجاد نظم و مکانیزم اجتماعی تعریف شده در حین عبور و مرور مردم در مراکز عمومی و دفاع از مردم در برخورد با باندهای تبهکار، با هدف استقرار امنیت پایدار در سطح کشور از مظاهر امنیت اجتماعی به حساب می‌آید.

برای تبیین سطح قابل تحقق و دست‌یافتنی از امنیت اجتماعی در جامعه نیایی (عصر غیبت) ابتدا عناصر اصلی امنیت اجتماعی در کشور با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چندوجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی به ترتیب وزن و نقش موثر شامل: ۱. فقر اقتصادی؛ ۲. اعتیاد؛ ۳. خشونت خانوادگی؛ ۴. فساد و فحشا؛ ۵. بی‌اعتمادی؛ ۶. هویت خواهی؛ ۷. تبعیض؛ ۸. نظام تأمین اجتماعی؛ ۹. جنایات سازمان‌یافته؛ ۱۰. مسائل زنان؛ ۱۱. بیماری‌ها و اختلالات روانی، به دست آمد و سپس با استناد به روایات وارده از

معصومین علیهم‌السلام و همچنین سیره حکومتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به‌ویژه دوران حکومت امام علی علیه‌السلام چهار شاخص اصلی امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی شامل: ۱. عدالت‌محوری؛ ۲. رفاه و پیشرفت همه‌جانبه؛ ۳. بصیرت فردی و اجتماعی؛ ۴. کارگزاران صالح را در اختیار ما قرار داد. با استفاده از روش پس‌نگری پنج مؤلفه قابل تحقق در جامعه نیایی (حداکثری) عصر غیبت شامل: ۱. توزیع منابع ثروت و سرمایه‌های ملی؛ ۲. تأمین اجتماعی؛ ۳. آگاه‌سازی اجتماعی؛ ۴. مشارکت‌پذیری در تأمین امنیت؛ ۵. شایسته‌سالاری در انتصابات، براساس الگوی جامعه مهدوی به‌عنوان جایگزین در سطحی نازل‌تر تعریف گردید.



منابع

- اخوان کاظمی، بهرام، نگرش‌های نوبه آموزه مهدویت، قم، انتشارات آینده روشن، ۱۳۸۷.
- افتخاری، اصغر، نوروزی، محمد و ذوالفقاری، محمد مهدی، مقاله، نظریه «امانت» امام خمینی و چشم‌انداز انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۹.
- بهروزی لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، قم، انتشارات آینده روشن، ۱۳۸۸.
- بیان، حسام‌الدین و شکیبا مقدم، محمد، مدیریت شیوه‌های نودرآموزش، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲.
- جهانگیری، جواد و دفتری، ابوالحسن، مقاله: بررسی میزان تأثیر ملاک‌های شایسته‌سالاری بر انتخاب مدیران انتظامی، مجموعه مقالات همایش شایسته‌سالاری، تهران، بازرسی کل ناجا، ۱۳۹۰.
- رئیسی وانانی، رضا، مقاله بررسی میزان تأثیر آموزش‌های همگانی پلیس در پیشگیری از سرقت منازل، فصل‌نامه دانش/انتظامی، سال ششم، شماره سوم، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۳.
- رجالی تهرانی، علیرضا، مقاله پیشرفت اقتصادی در عصر حکومت مهدوی، با تأکید بر روایات اسلامی، مجله انتظار موعود، شماره ۳۷، ۱۳۹۱.
- رضوانی، علی‌اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.
- زندی، داود، چشم‌انداز امنیت انسانی در خاورمیانه سده بیست یکم، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۱، ۱۳۸۷.
- سیدبن طاووس، الملاحم والفتن، (به نقل از محمد دشتی، آینده و آینده‌سازان، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین ۷، قم ۱۳۷۵ شمسی).
- علاقه‌بند، علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: بعثت، ۱۳۷۲.
- قاسمی، فرج‌الله، مقاله نگاهی به راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه‌ساز ظهور با بهره‌گیری از قرآن کریم، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۹.
- قصری، محمد و دوستدار رضا، مقاله مفهوم و جایگاه‌شناسی امنیت در چشم‌انداز ۱۴۰۴، ویژنامه همایش علمی پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴، سازمان تحقیقات و مطالعات

ناجا، ۱۳۸۸.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

- منوچهری راد، رضا، قابل دسترسی در <http://manuchehri.blogfa.com/post-2.aspx>.

- نشست‌های تخصصی همایش علمی افکار عمومی و امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی
ناجا، ۱۳۹۱.

- نصیری، قدیر، مفاد ارکان جامعه‌شناسی امنیت، فصل‌نامه راهبرد نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک،
شماره ۲۶، ۱۳۸۱.

- نعمانی، محمدبن ابراهیم، کتاب الغیبه، تحقیق: فارس حسون، قم، انوار الهدی، چاپ اول،
۱۴۲۲ق.

- نویدنیا، منیژه، شاخص‌های امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.

- وحیدی مطلق، ترجمه، قابل دسترسی در <http://www.ahl-ul-bayt.org>

- وفادار، حسین و رئیسی وانانی رضا، مقاله امنیت انتظامی و سند چشم‌انداز، فصل‌نامه نظم و
امنیت انتظامی، تابستان ۱۳۹۰، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

- Buzan Barry.(2002). people , states , and fear the national security problem in
International relations(UK . wheatsheaf books)

- (www.ihcs.ac.ir/Pages/Features/StaticPage.aspx?id=1276)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی